

مقایسه‌ی اندیشه‌های فمینیستی با تبعیض مثبت در حقوق زنان در نظام حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۱/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۳/۲۰)

دکتر ندا سعیدی^۱

فهیمة ملکی

چکیده

امروزه یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی اندیشه‌های فمینیستی با رویکرد مثبت در حوزه‌ی زنان در نظام حقوقی ایران شکل گرفته‌اند. جنبش‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی به دنبال دستیابی به اندیشه‌های فمینیستی با رویکرد مثبت می‌باشد. بنابراین تلاش‌ها در زمینه‌ی تغییرات این وضعیت که شامل مبارزه با کلیشه‌های فمینیستی و تلاش برای فراهم آوردن موقعیت‌های برابر با مردان به وجود آمده‌اند. در بررسی اهداف ایجاد زمینه مساعد جهت رشد و احیای حقوق مادی و معنوی و تامین حقوق برابر و تساوی بین زن و مرد ضرورت بیش‌تری را می‌یابد. این روش با شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به این سوال اصلی است که چه وجه افتراقی بین اندیشه‌های فمینیستی و تبعیض مثبت در دستیابی به حقوق یکسان بین زنان و مردان وجود دارد؟ فهدا نتایج حاصل از پژوهش حاکی از جایگاه حقوق زنان از قبیل حق رای، حق کار، حق برابر بین مردان و زنان، از بین بردن فاصله‌ی موجود، این در زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او، حمایت مادران علی‌الخصوص در دوران بارداری، برنامه‌ریزی در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست خانواده و استواری و روابط خانوادگی بر اساس حقوق و اخلاق اسلامی از جمله نگرش اندیشه‌های فمینیستی با رویکرد مثبت می‌باشد.

واژگان کلیدی: اندیشه‌های فمینیستی، رویکرد مثبت، حقوق برابر، حق رای، حق کار

مقدمه

مقوله ی مقایسه ای اندیشه های فمینیستی با تبعیض مثبت در حقوق زنان در نظام حقوق ایران به این امر مهم توجه دارد که بنیان خانواده نقش حیاتی در سعادت انسان دارد. زیرا که اگر خانواده سالم باشد، می توان به داشتن جامعه ای سالم و متعالی امیدوار بود که خانواده با چالش های مهمی در اندیشه های فمینیستی با آن مواجه می باشد؛ از قبیل تغییرات ارزشی در خانواده که به صورت نامتعارف جلوه می نماید ازدواج اشتراکی، ازدواج آزاد، زندگی مشترک بدون ازدواج، تک والدی و ... تجلی یافته است که نتایج حاصل از آن از بین بردن حیثیت و شرافت اعضای خانواده و تنزل سطح ارزشی و در نهایت از هم گسیختگی روابط بین اعضای خانواده می باشد. اندیشه های فمینیستی مثبت به دنبال این سوال فرعی ست که لازمه ی اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی چیست؟ رویکرد جوامع در اندیشه های فمینیستی تبعیضی چگونه می باشد؟

اسلام برای زن و مرد در همه ی موارد یک نوع حقوق و یک نوع وظیفه و یک نوع مجازات قائل شده است. پاره ای از حقوق و تکالیف و مجازات ها را برای مرد مناسب تر دانسته و پاره ای آن ها را برای زنان؛ در نتیجه در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در مواردی دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است. در اصل تساوی و تشابه به زن ها باید گفت که تساوی برابری است و تشابه یکنواختیست. چنانچه قرآن کریم فرموده است: خداوند از جنس خود برای شما همسر آورد (سوره ی نساء، سوره ی نخل و سوره ی روم) فلذا اسلام در سیر من الخلق الی الحق. یعنی در حرکت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست؛ فلذا رویکرد مثبت در حوزه ی زنان بر اساس قانون انسانی و قوانین داخلی به نکاتی چون آسان کردن تشکیل خانواده، ایجاد زمینه های مستعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او می باشد. حمایت از مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند مورد توجه دولت با قانون اساسی و قانون گذاری قرار گرفته و از طرفی اندیشه های فمینیستی در پی شناسایی تبعیض مثبت در حوزه ی زنان در نظام حقوقی ایران جهت حمایت از حقوق زنان می پردازد.

بخش اول: بررسی و تعریف فمینیسم (۱)

اعتقادی اصولی که زنان باید به حقوق برابر و فرصت های مشابه در زمینه های اجتماعی، سیاسی، قانونی و اقتصادی با مردان داشته باشند (۲)

فمینیسم یک رشته از فعالیت های اجتماعی و ایدئولوژیک هست که هدف آن تاسیس و ایجاد فرصت های جنسیتی برابر در زمینه های سیاسی، اقتصادی، شخصیتی و اجتماعی می باشد.

بند اول: پیشینه (تاریخچه)

برای اولین بار در سال ۱۸۴۱ در لغت نامه انگلیسی تحت عنوان برابری جنسیتی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تعریف شد. تاریخچه ی فمینیست از نگاه تاریخی می توان گفت جنبش های فمینیستی تشکل یافته می باشند؛ فهدا می توان آن را متفاوت با تاریخچه ی زنان دانست که این نگاه متمرکز به نقش زنان در حوادث تاریخی می باشد که اهداف تاریخی فمینیست به دنبال کاوش و روشن گری نگاه زنان همچون نویسندگان، هنرپیشه ها و فلاسفه ی زن می باشد.

فمینیست به دنبال نشان دادن صدای زن و فرصت هایی که در گذشته در جهت بازیابی و بهبود صورت گرفته است.

تاریخچه فمینیست به دنبال تغییر ماهیت تاریخی جنسیتی می باشد چرا که هدف از تغییر، چالش هایی در زمینه ی دیسپلین تاریخی می باشد.

تاریخ فمینیست سعی در نشان دادن محرومیت زنان از سنت های تاریخی و فلسفی، رفتار زنان و مسائل جنسیتی می باشد در حالی که فمینیست به دنبال مسائل جنسیتی نیست بلکه سعی در تفسیر مجدد در یک رفتار متوازن و تاریخی می باشد.

تاریخچه ی فمینیست به بازخوانی تاریخ از دیدگاه یک زن برمی گردد.

تاریخچه ی فمینیست صرفا وقایع تاریخی را بررسی نمی کند بلکه تکامل و ریشه ی جنبش ها را نیز بررسی می نماید و متمایز از تاریخ زنان می باشد که تمرکز آن بر روی نقش زنان در وقایع تاریخی است و هدف تاریخچه ی فمینیست در واقع شفاف سازی

دیدگاه زنان به تاریخ از طریق بازکشف زنان، هنرمندان و فلاسفه ی زن می باشد که منظور پوشش و تسلط براهمیت زنان و تصمیمات آن ها در گذشته می باشد.

در اصل این رویکرد و جنبش تلاش می کند یک فضا و پیکره ی متفاوتی از زن بدهد تا اینکه بتواند یک خودتعریفی داشته باشد.

به بیان دیگر فمینیست به دنبال این می باشد که بازخلق تاریخ در یک رفتار متعادل تر انجام گردد. این پافشاری در زمینه ی تفاوت ها و ناعدالتی بین جنسیت ها می باشد که نتیجه ی یک سری فرآیند تاریخی است که صرفا به صورت طبیعی نمی باشد.

بند دوم: فمینیسم لیبرال

نوعی از فمینیسم می باشد که در ساختار جامعه ی مقبول سعی در پیوند زدن زن به آن ساختار مورد نظر را دارد که ریشه های آن برمی گردد به تئوری قرارداد اجتماعی دولتی که در واقع پایه گذاری شده به وسیله ی انقلاب آمریکا.

ابینگل آدامز و مری ولستون برابری برای زنان را درخواست می کردند. لیبرال ها بی وقفه در داخل سیستم تلاش می کردند و در تلاش برای مصالحه بودند که یک سری جنبش های رادیکالی ظهور پیدا کرد و آن مصالحه را از مرکز و محور قدرت بیرون کشید.

در اصل شیوه ی فمینیسم لیبرال در روزهای فعالیت زنان در جهت برابری خواهی در سال های پایانی ۱۸۰۰ و سال های آغازین ۱۹۰۰ همراه با فمینیست های رادیکال حضور پیدا کرد.

بند سوم: فمینیسم مارکسیستی و سوسیالیستی

مارکسیسم تشخیص می دهد که زنان مورد تبعیض قرار گرفته اند و باور دارد که تبعیض معلول کاپیتالیسم و سیستم سرمایه داری شخصی می باشد. بنابراین آن ها مصر هستند که تنها راه پایان دادن به تبعیض علیه زنان در واقع عزل قدرت از سیستم کاپیتالیسم هست.

فمینیسم اجتماعی نتیجه ی مواجهه ی مارکسیسم با فمینیسم رادیکال می باشد که جاگر (Jagger) به آن اشاره می کند. به تفاوت های چشم گیر بین فمینیسم اجتماعی و

مارکسیسم و اهداف آن ها را با یکدیگر اشاره می کند ولیکن هر دو را با هم ارائه می دهد.

فمینیسم اجتماعی به عنوان یک نگاه مابین مارکسیسم و فمینیسم رادیکال می باشد که مارکسیسم غالب بر آن می باشد.

مارکسیست ها و جامعه گران اغلب خودشان را رادیکال می دانند اما آن ها از این واژه استفاده می کنند برای بازگشتن به یک ریشه ی کاملاً متفاوت از جامعه ی سیستم اقتصادی و خودشان را از سیستم اقتصادی مجزا می دانند.

بخش دوم: رادیکال

فمینیسم رادیکال یک محافظی از جنبش تفکرات نئورادیکال در فمینیست فراهم می کند. یک فونداسیون مهم برای سایر شاخه های فمینیست آماده می سازد. از دید بسیاری یک عنصر ناشایست از فمینیست هست. در واقع فمینیسم رادیکال برای بسیاری از ایده های متولد شده از فمینیسم مسیر را سهل و آسان نموده. ایده هایی که در واقع شکل گرفته اند در راه های مختلفی به وسیله ی سایر شاخه های فمینیسم قدم نهاده اند.

فمینیسم رادیکال یک لبه ی برنده و تیز از تئوری فمینیسم مابین سال های ۱۹۶۷-۱۹۷۵ بوده است.

فمینیسم رادیکال به مقبولیت گذشته نیست، نه تنها به مقبولیت گذشته نیست بلکه به صورت همگانی فوندانسیونی را هم برای دیگر فراهم نمی سازد.

این عبارت برمی گردد به جنبش فمینیست که ظهور پیدا کرد از حقوق مدنی و فعالیت های صلح آمیز در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۸ به دلیل اینکه این گروه عنوان رادیکال را دریافت می کند، این است که آن ها به تبعیض علیه زنان به عنوان مهم ترین فرم تبعیض نگاه می کنند. در واقع این چیزی است که در صف اول تبعیض شامل تبعیض نژادی، فرهنگی، اقتصادی را در برمی گیرد.

حرکتی هست که روی تغییرات اجتماعی علاقه نشان می دهد، تغییراتی در وجه انقلابی هست.

بخش سوم: نگرش اسلامی بر حقوق در مکتب اسلام و نظام حقوقی ایران

الف: عدالت جنسیتی از نگاه غرب و اسلام

اندیشه غرب در برابری و حقوق مساوی برای تمامی انسان ها تعبیر می شود. به منظور حمایت از زنان و بر اساس اصل عدم تبعیض در جنسیت تفاوتی با مردان ندارند و در نتیجه تابع حمایت عام از حقوق بشر هستند و لذا حقوق بین الملل متضمن قواعد حمایت کننده ی خاص از زنان هست اعم از حمایت های خاص از زنان شامل برخورداری از حقوق سیاسی (عهدنامه ی ۱۹۵۳) در زمینه ی حقوق سیاسی زنان، حقوق تابعیت مستقل و جدا از شوهر برای زنان شوهردار.

عهدنامه ی ۱۹۷۵ با حق ازدواج بر پایه ی رضایت با رعایت حداقل سن ازدواج و نسبت آن طبق عهدنامه ۱۹۶۲، حق برخورداری زنان با مردان، برای کار دارای ارزش برابر طبق مقوله نامه شماره ۱۰۰ سازمان بین الملل کار ۱۹۵۱

کمیسیون مقام زن در سال ۱۹۹۳ اعلامیه ای مربوط به از بین بردن خشونت علیه زنان که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متعهد رسید و کمیته ی رفع تبعیض نسبت به زنان ۱۹۷۹ که تماما در جهت و راستای عدالت و برابری زن و مرد گان برداشته شده و از طرفی اسلام برابری همه ی انسان ها را عین بی عدالتی بیان می کند، تفاوت میان مخلوقات را جزء ذاتی که بر اساس علت و معلول دانسته و حقوق متفاوت زن و مرد را می پذیرد. اندیشه ی غرب یکسان بودن تمامی حقوق زن و مرد را اعتقاد دارد در حالی که از نظر اسلام تشابه را قبول ندارد ولیکن تساوی را می پذیرد؛ این بدین مفهوم می باشد که زن و مرد از جهاتی مشابه یکدیگر نمی باشند بلکه از لحاظ خلقت و طبیعت آن ها یکنواخت نمی باشند و از لحاظ حقوق و تکالیف و مجازات ها مشابه نمی باشند و از دیدگاه اسلام زن و مرد هر دو انسانند و از حقوق انسانی مساوی بهره مند هستند. برابری از مهم ترین ابعاد و بلکه اصلی ترین معنای عدالت می باشد که همه ی افراد از نظر جنس، نژاد و مذهب (قانون اساسی) از حقوق برابر بهره مند می شوند. فلذا چنین باید اظهار نمود که تمامی شهروندان از حق تصمیم گیری، ارزیابی، انتخاب و حقوق شهروندی باید برخوردار باشند. حق رای، حق

تصمیم‌گیری، حق کار میان زن و مرد باید برابر باشد تا بتوان به عدالت اجتماعی نزدیک شد.

بخش چهارم: فمینیسم در حقوق ایران

فمینیسم یک دامنه‌ای از جنبش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که در اصل دستیابی به حقوق زنان در زمینه‌های مذکور و برابری تلاش‌ها صورت می‌گیرد. تلاش جهت برقراری فرصت‌های برابر در زمینه‌های اشتغال، آموزش و حق رای می‌باشد. فهدا آنچه در مباحث فوق‌الاعلام گردید با جامعه‌ی ما کمی متفاوت می‌باشد، از قبیل کمرنگ بودن جایگاه زنان همچون قضاوت، خلبانی، وزارت، نمایندگی مجلس و دارا بودن اندیشه و تفکر بالادستی مردان که موجب گردید حقوق زن در مواردی کمرنگ و یا بعضاً نادیده گرفته شود. فهدا اندیشه‌ی فمینیستی مثبت می‌تواند در پیشبرد برابری جنسیتی و دستیابی به اهداف و خواسته‌های برابری زنان و آگاه‌سازی جامعه زنان تلاش‌هایی در این زمینه انجام داد. آنچه مانع زنان از عدالت‌گیری می‌شود، قدرت و گفتمان مردسالاری می‌باشد و لذا هنوز نابرابری جنسیتی مثبت به زنان وجود دارد.

بخش پنجم: تفاوت‌های زن و مرد از نگاه اسلام

مساله‌ی شناخت زن و حقوق انسانی و جایگاه اجتماعی مطلوب و به جهت ویژگی‌های بدنی و روانی و نگرشی که به طور طبیعی می‌توان مطرح نمود تفاوت‌هایی به لحاظ فرهنگی، محیط، تربیت، خانواده و شرایط اجتماعی باید مورد نظر قرار گرفته شود؛ تفاوت‌هایی از جهت تولید مثل از قبیل بارداری، بلوغ، احکام شیر دادن، قاعدگی، زایمان مورد توجه می‌باشد. تفاوت‌های فیزیولوژی، اندام و نیازها از جهت ساختار فیزیولوژی، سن بلوغ، نیازهای غذایی، تفاوت‌های جسمی و روانی در برابر بیماری‌های عفونی، اختلالات پوکی استخوان، تفاوت‌هایی از دیدگاه علم روانشناسی و فرهنگی، تربیت و محیط شکل‌گیری هویت خانواده.

گرایش به رشد اخلاقی و مادیات، درون گرایی و برون گرایی، آسیب های روحی و روانی، نافرمانی، هدایت های اجتماعی، گرایش به مواد مخدر، الکل، اضطراب، افسردگی، اختلالات خواب تماما تفاوت های میان مرد و زن از نظر جسمی و روحی می باشند.

مثلا زنان به گفت و گو علاقه مند هستند و مردان سکوت را دوست دارند. زنان شنونده ی خوبی هستند و مردان شنونده ی خوبی نیستند. زنان در برابری در برقراری ارتباط قوی تر از مردان هستند و مردان در برقراری ارتباط ضعیف تر عمل می کنند.

طبیعت زن خدمت به بقای نوع است و کار خاص مرد، خدمت به زن و کودک است. طبیعت زن بیشتر پناه جوی است نه جنگجوی. زن از مرد شکینا تر است گرچه شجاعت مرد در کارهای خطیر و بحرانی زندگی بیشتر است.

زن و مرد از لحاظ جسمی، روانی و احساسی با یکدیگر متفاوت می باشد و لذا از نظر اسلام زن و مرد از یک جنس آفریده شده اند؛ ولیکن تفاوت های آنان فقط از لحاظ جسمی، روانی و احساسی بعضا متفاوت می باشد.

بخش ششم: رویکرد قانون اساسی ایران نسبت به حقوق زن

قانون اساسی به تشریح رابطه ی زنان و قانون گذاری پرداخته است. باید گفت که قانون گذاری مختص مردان نمی باشد، بلکه به مسائل زنان و حقوق زنان نیز پرداخته است. قانون اساسی زنان را از مشارکت در قانون گذاری منع نکرده است. همه ی افراد اعم از زن و مرد در حمایت قانون قرار دارند و همه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یکسان برخوردارند.

زن و مرد در تعیین سرنوشت مملکت خود از حقوق مساوی برخوردارند. چنانچه بر اساس اصل ۲۰ قانون اساسی، همه ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه ی حقوق اساسی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند و یا بر اساس اصل بیست و یکم (۲۱) قانون اساسی دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.

زمینه ی مساعد برای رشد رشد شخصیت زن و احیای حقوق مساوی و معنوی او حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری، حضانت زنان و حمایت از کودکان بی سرپرست، ایجاد بیمه ی خاص بیوگان و زنان سالخورده، و بی سرپرست در اصل (۳۰) قانون چنین بیان می دارد و دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ی ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و لذا در اینجا فقط مردان را مطرح نکرد بلکه مردان و زنان مورد نظر بوده و یا در اصل (۲۸) قانون اساسی دولت موظف است در خصوص مشاغل همه ی افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی ایجاد نماید که بازهم در اینجا منظور و مراد از همه ی زنان و مردان می باشد. لذا نگاه و رویکرد قانون اساسی صرفا تخصیص به مردان نمی باشد، بلکه مراد و منظور همه ی افراد جامعه اعم از مردان و زنان می باشد و یک نگرش عدالت محور برای زنان و مردان در نظر گرفته است.

ه: رویکرد مجلس شورای اسلامی و قانون گذاری در حقوق ایران قانون گذار در صدد ایجاد محیطی مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا برای زن و مرد در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی گام هایی را برداشته و تلاش برای ارتقا سطح فکری و فرهنگی و اقتصادی جامعه را دارد. تلاش هایی در جهت رفع تبعیض حقوق زنان و برابری و عدالت اجتماعی میان مردان و زنان را دارد. رفع مشکلات و موانع موجود در راه گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان و همچنین هماهنگ سازی فعالیت مراکز و سازمان های مختلف درباره ی زنان و همچنین حمایت از وضع بهبود خانواده، ارتقاء سطح آگاهی عمومی افراد، سواد آموزی تحصیلات عالیه و هماهنگی در برنامه ریزی های تحقیقاتی مربوط به زنان بر اساس تبصره (۲) ماده ی ۱۳۰ آیین نامه ی شورای فرهنگی اجتماعی زنان همه مجازند در انتخاب نمایندگان مجالس قانون گذاری مشارکت نمایند و هم خود به عنوان نماینده انتخاب شوند. بند ۱۴ اصل سوم در خصوص اهداف جمهوری اسلامی بیان می دارد. تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عمومی در برابر قانون قانون گذار قانون را مختص مردان نمی داند مانعی برای مشارکت زنان در امر قانون گذاری قائل نیست. لذا با افزایش تعداد

نمایندگان زن و ارتقای سطح تحصیلات آن‌ها به ویژه از مجلس چهارم به بعد تاسیس کمیسیون زنان، جوانان و خانواده و در مجلس پنجم تشکیل فراکسیون زنان در مجلس ششم موجب شد. قوانین بیشتری در موضوع زنان و خانواده به تصویب برسد و بر اساس برنامه‌ی توسعه چهارم چندین ماده به مسئله‌ی زنان تخصیص داده شد. مصادیق آن عبارت است از ماده‌ی ۳۰ دولت را موظف کرد به منظور اجرای اصل ۳۱ قانون اساسی به سازندگی مسکن برای زنان بی سرپرست خانه می‌سازد و بر اساس ماده‌ی ۶۹، تامین بیمه‌ی خاص حمایتی برای حمایت از زنان سرپرست خانوار پیش‌بینی شده است. و در ماده‌ی ۷۹ تهیه و تدوین طرح جامعه توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانواده با همکاری سایر سازمان‌ها و ذی ربط و به موجب ماده‌ی ۱۱۶۹ قانون مدنی در ۲۲ اسفند ۱۳۸۰ مادران به حضانت طفل خود تا سن هفت سالگی اعم از پسر و دختر سزاوارتر و اولی‌تر از دیگران هستند. مجلس در هشت خرداد ۱۳۸۱ مرخصی زایمان برای وضع حمل دوقلو را برابر پنج ماه و برای وضع حمل سه قلو بیشتر از یک سال با استفاده از حقوق فوق العاده تعیین کرد. مطابق اصلاحیه‌ی ۱۰۴۱ قانون اساسی ازدواج دختران پیش از رسیدن به سن سیزده سال تمام شمسی و پسران پیش از رسیدن به پانزده سال تمام شمسی ممنوع شد مگر با اذن ولی به شرط رعایت مصلحت و تشخیص دادگاه صالحه مجلس چهارم بر اساس تبصره ۵ قانون الحاق پنج به رییس قوه قضاییه اجازه داده شده بانوانی را که واجد شرایط قانون انتخاب قضات هستند با پایه‌ی قضایی برای تصدی پست‌های مشاوره عالی اداری، قاضی تعیین مستشاری اداره‌ی حقوقی و مانند آن استخدام نماید. مجلس پنجم ۱۵ مهر ۱۳۷۵ مستخدمان زن شاغل، بازنشسته و وظیفه بگیر را که دارای شوهر نباشد یا شوهرشان معلول و از کار افتاده و به تنهایی عهده دار مخارج فرزندان باشد مسئول دریافت کمک هزینه عائله مندی کرد. در ۱۴ آذر ۱۳۷۵ کاهش ساعت کار خانوم‌ها، خدمت نیمه وقت بانوان و بر اساس قانون مهریه وجه رایج متناسب با شاخص قیمت سالانه توسط بانک مرکزی محاسبه و پرداخت خواهد شد.

بخش هفتم: تبعیض مثبت در حوزه ی زنان

مهم ترین موضوع در عرصه ی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در حوزه ی زنان دستیابی به حقوق برابر و رفع تبعیض می باشد چرا که در جامعه جهانی تقریباً نیمی از افراد دنیا زن می باشد لذا باید تلاش هایی در زمینه ی رفع تبعیض علیه زنان و دستیابی به حقوق برابر و تساوی بین زنان و مردان به عمل آید. البته باید گفت گام هایی برداشته شده ولیکن این گام ها کافی نمی باشد. باید به این امر توجه داشت که زن در بقای خانواده و سعادت جامعه نقش حیاتی و کلیدی دارد، چرا که در دین ما آمده ست که بهش زیر پای مادران است و همین امر اهمیت و جایگاه زن را در جامعه و خانواده نشان می دهد.

به همین لحاظ در قانون اساسی در اصل ۲۰ و ۲۱، ۱۰ و ۳ (بند ۱۴) در خصوص سهمین بودن زنان در جامعه و مشارکت آنان در قانون گذاری و همچنین حمایت قانون از جامعه زنان در بخش های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دیده می شود. ولیکن این حمایت ها چه در قانون اساسی و قانون گذاری مجلس و یا حمایت های خاص از زنان طبق عهدنامه ها و کمیسیون مقام زن در عرصه ی بین الملل کافی نبوده و امید است با گام های فراتر از این موارد، احقاق حق نسبت به برابری و رفع تبعیض علیه زنان صورت گیرد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

پس از بررسی بعمل آمده در خصوص حقوق اندیشه های فمینیستی در زمینه ی تبعیض مثبت در حوزه ی زنان و نظام حقوق ایران با رویکرد عدالت محوری و رفع تبعیض و رابطه میان این دو، نگاهی به جنبش های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهت دستیابی به حقوق برابر و مساوی بر اساس عهدنامه ها و کمیسیون مقام زنان در عرصه ی بین الملل، قانون اساسی قانون گذاری مجلس و همچنین رویکرد جامعه از قبیل حق رای، حق کار، برابری میان مردان و زنان، حمایت از مادران علی الخصوص در دوران بارداری و سیاست گذاری در راستای تحقق آسان کردن تشکیل خانواده و پاسداری از قداست خانواده به منظور رشد و شکوفایی جامعه ضرورت فراوان را دارا می باشد.

لذا باید گفت فمینیسم یک رشته از فعالیت های اجتماعی و ایدئولوژیک است که هدف آن تامین و ایجاد فرصت های جنسیتی برابر در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می باشد. اندیشه های فمینیستی مثبت به جهت حمایت از حقوق زنان در تمام سطوح سیاست گذاری (تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی) امری ضروری است به منظور احقاق حقوق زن. لذا دغدغه ی اندیشه های فمینیستی مثبت در زمینه ی حقوق زنان برای دولتمردان و حاکمان همواره وجود دارد. به نظر می رسد تلاش هایی در جهت احقاق حقوق زن صورت گرفته از جمله می توان به تبصره ی ماده ی ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی جهت رفع نابرابری اخذ دیه مجنی علیه زمانی که مرد نیست که تفاوت دیه تا سقف دیه ی مرد از صندوق تامین خسارت های بدنی برداشت می شود به مجنی علیه یا اولیاءالدم پرداخت می شود و یا به قانون اساسی به اصل ۲۰، ۲۱، ۱۰ و ۳ بند (۱۴) و همچنین موارد از مصوبه مجلس من جمله ماده ی ۷۹ طرح جامع توانمندسازی زنان خود سرپرست و یا مصوبه ی هشت خرداد ۱۳۸۱ مجلس در خصوص مرخصی زایمان دو قلو و سه قلو و مصوبه ی ۱۴ آذر ۱۳۷۵ در خصوص کاهش ساعت کار خانم ها، خدمت نیمه وقت بانوان و از این قبیل اشاره کرد. ولیکن به نظر می رسد این تلاش ها کافی نبوده و اصلاحاتی در خصوص ماده ی ۱۱۱۷ ق م، (شوهر می تواند زن خود را از حرفه و کاری که دارد منع کند) و همچنین ماده ی ۱۱۶۹ ق م (حق حضانت فرزند برای مادر تا ۷ سالگی می باشد) و یا در خصوص افتتاح حساب مادر حق دارد فقط برای فرزند خود حساب قرض الحسنه افتتاح نماید و مواردی از این قبیل، نمونه هایی از مصادیق تبعیض و نابرابری بوده که امید است قانون گذاران و دولت حاکمیت در صدد رفع برآیند لذا رویکرد مثبت زنان یک نگاه رو به جلو میباشد و این موضوع غیر قابل انکار است، و با وجود آگاهی عمومی بشر مطالبات زنان در عرصه احقاق حق خوشبختانه افزایش یافته است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- ۱- قانون اساسی (اصل ۳ بند ۱۴، ۱۰، ۲۱)
 - ۲- مطهری مرتضی (۱۳۹۷)، نظام حقوق زن در اسلام، مقام انسانی زن از نظر قرآن، چاپ (۷۵)، تهران، انتشارات صدرا
 - ۳- مهاجری مریم (۱۳۹۳)، فمینیسم و چالش های پیش روی خانواده، تهران: نشر اسرار علم
 - ۴- ضیایی، بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، حقوق بین الملل عمومی، تهران، نشر گنج دانش
۱. G.Cain. William E. , ed. *Making Feminist History: The literary schorlarship of Sandran. Gillbert and Susan* (Garland publications, 1991)
۲. Laslitt Barbara, Ruth-Eleen
B.Toeres, Mary jo Maynes
Evelyn Brooks Higginbotham, and Jeanne Barker-Nunn, ed.
History and Theory: Feminist Research, Debates, Contestations (university of Chicago pross 1997)
۳. Lerner Gerda, *The Majority finds its past: placing women in history* (Oxford university pres, 1981)
۴. <http://www.landfield.cm/faqs/feminism/>.